

نقش جوانان در تحولات ایران جوانان و گرایش به چپ

تشکیل می دهد. این پتانسیل عظیم انسانی علاوه بر کمیت، کیفیت ویژه ای دارد. جوان ایرانی، نسلی است که چشم در یک جامعه مذهب زده و تحت حکومت یک آپارتاید جنسی باز کرده است. خاطره و تجربه ای از زندگی قبل از جمهوری اسلامی ایران ندارد. منتقد و معترض و

ثریا شهابی
مطلبی که میخوانید، متن سخنرانی ثریا شهابی در برنامه سازمان جوانان کمونیست است که در ۲۷ آوریل ۲۰۰۲ در دانشگاه تورنتو برگزار شد.
چرا جوانان؟
جوانان در ایران بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند.



آقایان حکومت اسلامی! مردم همه شما را می شناسند. ۵ سال است می بینند. با گوشت و پوست و استخوان، حضور خاتمی در قدرت را چشیده اند. این همدست خامنه ای پیهوده تلاش می کند معجون دیگری از جعبه مارگری اصلاحاتش بیرون بکشد. مردم اجازه نخواهند داد که از آنها، اعتراض و جنبش آنها سواستفاده شود. جمهوری اسلامی با خاتمی و بدون خاتمی، با خامنه ای و بدون خامنه ای، یک نکبت است و باید برود. این حکم جوانان و مردمی است که ضعف شما و قدرت خودش را می بیند. این حکم جوانانی است که از نکبت اسلامی به تنگ آمده است.

سواستفاده از مردم ممنوع

ثریا شهابی

خریدن ۵ سال وقت برای رژیم اسلامی و جلوگیری از حرکت مردم، برای بهبود زندگی شان و خلاصی از طاعون اسلامی در ایران، محتوای همه اصلاحات خاتمی است. این را همه می دانند. اما نامیدن این جعبه مارگری به نام اصلاحات تنها از یک آخوند شیاد و شارلاتان ساخته است. در کش و قوس تقسیم قدرت، رقیب سر خاتمی کلاه گذاشته است، باز دست به دامن مردم می شوند. در صفوف دوخردادی ها اما ولوله افتاده است که مبادا برای همیشه از قدرت به بیرون پرتاب شوند! دست به دامن رئیس جمهورشان شده اند که سید نکن! می دانند آخرین شانس شعبده بازی «اپوزیسیون» اسلامی در قدرت را از دست داده اند. باوجود پاخورگی اصلاحات دروغین شان و با وجود رو شدن دستشان نزد مردم، هنوز میخواهند شانس خود را امتحان کنند.

خاتمی تهدید به استعفا کرده است. به این بهانه که «کسانی» نمی گذارند که او «روند اصلاحات» را ادامه دهد! گفته می شود که این عجیب ترین تهدید یک رئیس جمهور است. این تهدید عجیبی برای یک رئیس جمهور باشد یا نه، بی تردید مضحک ترین و وقیح ترین ژست اپوزیسیون بودن جریان دو خرداد است. این عین ادعای بوش و ملا عمر در دفاع از حقوق بشر است. این عین ادعای محمد رضا شاه و پدرش رضا شاه است در مورد موانع مقابل راهشان برای به سرانجام رساندن «روند دمکراسی»! این عین دلچک بازی یک آخوند است در بازار سیاست! بهبود و اصلاحات همانقدر پرازنده قامت خاتمی است که دمکراسی پرازنده قامت دو پادشاه قلدر و دیکتاتور خاندان پهلوی بود!



روشنفکر ضد رژیم است. نه مثل منتقدین و معترضین و صفحه ۲

وقتی ۴۴ درصد مردم زیر سن ۱۵ سال باشند، میتوان تصور کرد که جمعیت ۱۸ تا ۲۵ سال چه بخش عظیمی از جمعیت را



جنایات دولت اسرائیل

به جنایات دولت اسرائیل در حق آوارگان فلسطینی اعتراض کنید. به دولت آمریکا به خاطر حمایت بی دریغ از سیاست نسل کشی دولت شارون اعتراض کنید. جهانیان باید بدانند در چنین چه گذشت. دولت مستقل فلسطینی حق بی چون و چرای آوارگان فلسطینی است. حق بازگشت، حق بی چون و چرای فلسطینیان کوچ داده شده و رانده شده از کرانه غربی و نوار غزه است. تنها یک صلح

عادلانه، و تشکیل دو دولت غیر مذهبی، غیر قومی در اسرائیل و فلسطین با حقوق برابر است که می تواند ضامن حفظ صلح و آرامش بین مردم اسرائیل و فلسطین شود.



آشنایی با مفاهیم سیاسی! ارتجاع reactionarism

فرشاد پویا

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنونی هستند. و بعلاوه به کسانی هم اطلاق می شود که خواستار دگرگونی و تغییر بسمت بازگشت به گذشته اند. ارتجاع و ترقی خواهی در هر مقطعی از تاریخ تمدن بشر طبعاً با شرایط تاریخی زمان خود سنجیده می شود. مثلاً اگر لیبرالیسم در شروع سرمایه داری و در قرون ۱۸ و

ارتجاعی در لغت به معنای بازگشت است و از اینرو می توان آنرا « گذشته پرستی » و « گذشته خواهی » نیز نامید. این نام یا صفتی است که به کسانی، گروه هایی، احزابی، حکومت ها و یا طبقاتی اطلاق می شود که مخالف هر گونه دگرگونی در روابط و بنیادهای

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کشتار جمعی دختران
دانش آموز، در تهران
صفحه ۴



انقلاب ۵۷ که شرق زده، تسبیح بدست، اخمو، اسلامی و مردسالار بود، این نسل جوانان چپی ایرانی ضد اسلام، طرفدار آزادی زن و مرد، شادی طلب، مدرن و غرب زده است. انقلابیگری اش از ضدیت با امپریالیسم و استکبار جهانی حاصل نمی شود. انقلابیگری اش از مطالبات و خواست های آزادیخواهانه و انسانی مثل آزادی تشکل، آزادی عقیده و بیان، آزادی زن و مرد، آزادی زندانی سیاسی، سکولاریسم، ضدیت با اعدام، و دفاع از حقوق کودک و رفاه و برابری انسانها نشأت می گیرد. این نسل از ۵ سال پیش پا به میدان گذاشته است. این نسل بیشتر زندگی در متن سیاهی و تباهی است که ۲۳ سال مشتی جنایتکار بر مردم تحمیل کردند.

جوانان و عالم سیاست

برخی ادعا می کنند که جوانان ایران «سیاسی» نیستند. می گویند، مخالفت جوانان با حکومت اسلامی نه از سر «سیاسی گری» که به خاطر مطالبه آزادی رقص و آواز و «مشورخواهی» و آزادی دوست دختر و پسر داشتن، است. ما میگوییم دقیقاً به این خاطر جوانان ایران سیاسی اند. اعتراضات جوانان برای برخورداری از این ابتدایی ترین آزادی های فردی و مدنی، قویا سیاسی است. چرا که حافظ و نگاهبان اصلی و مسلح همه این محرومیت ها در ایران نه «خانواده» و «سنت» و «فرهنگ» که حکومت است. جوانان برای داشتن کمترین آزادی فردی، رژیم را مقابل خود می بینند. و طبیعتاً برای رسیدن به کمترین حقوقشان رو در روی رژیم قرار می گیرند. و این یعنی سیاسی بودن. در ایران «جوانی کردن» اساساً جرم سیاسی است.

واقعیت این است که آنچه پایه های رژیم را از پنج سال پیش لرزانده مقالات نویسندگان دگر اندیش و دو خردادی ها که حضور دهها هزار جوان در تحریکات جوانان و دانشجویان در ۱۸ تیر ۷۸ و حمایت میلیونها نفر از آن بود. آنچه که رژیم را متزلزل کرد پیامد های گسترده تر اعتراضات جوانان در سال ۷۹ و در «جنبش فوتبال» و جشنهای سال نو و ... بود. امروز برای همه روشن است که هیچیک از جریانهای طرفدار رژیم، نه دو خرداد، نه دفتر تحکیم، نه جبهه متحد دانشجویی و نه جبهه دمکراتیک ایران (جریان

از صفحه ۸ «روشنفکران» طرفدار رژیم، دگراندیشان دو خردادی. این قشر معترضی است که تجربه تسلیم شدن را ندارد. بلند پرواز است. توقع اش از زندگی بالا است. بلند پروازی ها و توقعاتش سرکوب نشده است. اسیر مناسبات محدود کننده زندگی خانوادگی نیست. دست اش در دنبال کردن ایده های انسانی اش بازتر است. و این یعنی اینکه انقلابی است. نسلی که کودکی اش را با محرومیت، جداسازی و خفقان پشت سرگذاشته است. در جامعه ای که هرگز اسلامی و مذهبی نبوده است، به زور اسلامی «تربیت» شده است. با تناقض دوران کودکی اش را سپری کرده است. ارزشهای ارتجاعی حکومت در چشم اش نه ارزشهایی موجه و مشروع، که همواره تحمیلی بوده است. نسلی است که میداند و دیده است که به زور بر مادرش حجاب و بر پدرش ریش پوشانده اند. دخالت حکومت در کوچکترین زوایای زندگی شخصی اش، محرمیت از ابتدایی ترین حق کودکی اش، را تجربه کرده است. زندگی اسلامی را بر زمینه جامعه ای که تجربه مدرنیسم را پشت سر دارد، تجربه کرده است. پتانسیل زندگی مدرن و غیر اسلامی را همین امروز در فضای زندگی خانودگی اش و مناسبات مردم می بیند. این نسل نمی تواند و نمی توانست تسلیم شده پا به دوران جوانی بگذارد. این نسل به محض سپری کردن دوران کودکی، جنگ اش را با حکومت شروع کرد.

رژیم اسلامی که نسلی از جوانان هم نسل ما را قتل عام کرد، و به این ترتیب پا گرفت و پابرجا ماند، در مقابل نسل بعدی زانو زده است و بی شک از پا در خواهد آمد. شرایط کار این نسل با ما متفاوت است. اینها توهم میلیونی به خمینی و رژیم اسلامی را با خود ندارند. برعکس نفرت و انزجار میلیونی مردم از رژیم اسلامی، راه پیشروی شان را باز کرده است. این نسلی است که تناقض حاکمیت اسلام در یک جامعه غیر اسلامی را با خود حمل می کند. میتواند این تناقض را به نفع خود و به نفع مردم حل کند، اگر به کمویسم و طبقه کار و حزبی روی آورد. این نسل از جوانان انقلابی ایران، از جهات دیگر هم نسبت به نسل انقلابیون قبل خود، در موقعیت بهتری هستند. اینها مترقی تر و روشن بین تر هستند. برعکس چپ* غالب در دوران

خاصیت جوانی مربوط باشد به خاصیت این ایده ها و این جنبش مربوط می شود. سوسیالیسم جوان پسنداست. این تجربه جهان و تجربه ایران است. جوان و دانشجوی ایرانی می بینند که چگونه بلندپروازی، ترقیخواهی، بشردوستی، آزادیخواهی و تساوی طلبی او را امروز فقط و فقط کمونیست ها نمایندگی می کنند. ما در کنفرانس برلین همان کاری را کردیم که جوانان پشت میله های دانشگاه و در خیابانها و استادیوم ها با طرفداران دو خرداد و مقامات رژیم کردند. جوانان آنها را از صفوف شان بیرون کردند، نشان دادند که اصلاح طلبی آنها دروغین است. ما هم همان کار را کردیم. جوانان اساساً در اعتراضاتشان به چپ روی می آورند. در کشورهای خفقان زده ای مثل ایران که زندگی سالم کودکی کردن و زندگی نرمان و سالم جوانی کردن جرم سیاسی است، جایی که هر انتخاب و کنترلی بر زندگی خود معارضه و محاربه با خدا است، جوان ترقی خواه، ضد دین و ضد حکومت میشود. این را کمونیست های کارگری می دانستند. جوان و دانشجوی ایرانی چپ و کمونیست می شود به این دلیل که می بیند که این تنها کمونیست ها هستند که جواب خواست هایش را بدون ملاحظه مذهبی، طبقاتی، سیاسی و فرهنگی سر راست می دهند. می بینند که کمونیست ها بر آزادیخواهی شان شرط و شروط نمی گذارند و آن را منحصر به خودی و غیر خودی، فرهنگ و مذهب، نمی کنند. آزادی زن و مرد آزادی عقیده و بیان، اجتماع و تشکل و اعتصاب... را بی قید و شرط

* ما خواستار آزادی بیان و مطبوعات هستیم
* ما خواستار برچیدن بساط خشونت و فشار پلیسی در جامعه هستیم
* هرگونه فشار علیه فعالین دانشجویی، علیه فعالین سیاسی، دستگیری و تهدید آنان محکوم است
* خواستار ایجاد تشکلهای مستقل دانشجویی و آزادی فعالیت آنان هستیم
* خواستار آزادی زندانیان سیاسی هستیم
* خواستار لغو هرگونه تبعیض و ستم گری علیه زنان هستیم.
واقعیت این است که آزادیخواهی جوانان از شرع جنبش اعتراضی شان، بی قید و شرط بود. این با مانورهای داخل حکومتی ملی - مذهبیون، از دو جنس کاملاً متفاوتی است. این هیچ ربطی به «جنبش اصلاحات» نداشت. روند جنبش جوانان از ابتدا رژیم را نمی خواست. به چه زبانی دیگر تحت خطر زندان و دستگیری و شکنجه بگویند. کمونیسم در ایران، به پرچم داری حزب، نمایندگی و منعکس کننده خواست های جوانان از ابتدا بود.

نباید گذاشت این جنبش و این پتانسیل عظیم ترقی خواهی و آزادیخواهی تسلیم شود و نمی شود. نباید گذاشت این جنبش را از دسترسی به جریان و حزب سیاسی خود، حزب کمونیست کارگری ایران، بیش از این محروم کنند.
جوانان و گرایش به چپ، چرا؟
<ب> اما چرا جوان به چپ گرایش پیدا می کنند و سرعت ایده های چپی، سوسیالیستی و کمونیستی را جذب می کنند. این دیگر بیش از اینکه به

۱۸ تیر می گویند:

معاش مقابل خود نمی بینند. اکثر جوانان ایران، سرنگونی طلب، مترقی، آرایخواه، غیر مذهبی و مدرن اند. انقلاب انفرماتیک و دسترسی به اینترنت آنها و توقعاتشان از زندگی را، کنار دست جوانان در اروپا و آمریکا قرار داده است. خواست های این جوانان تنها و تنها توسط جریانات سوسیالیستی - کمونیستی و مشخصا جریان کمونیسم کارگری پاسخ می گیرد. کمونیسم ایده جوانان انقلابی برای تغییر دنیا و از بین بردن طبقات است و جوانان نیروی فعاله مبارزه طبقه کارگر برای رهایی از سرمایه داری است.

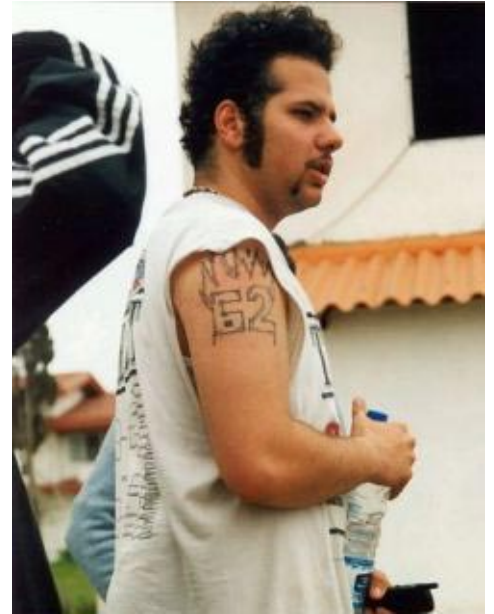
در حاشیه: من وقتی از چپ دوران انقلاب ۵۷ صحبت می کنم، گرایش غالب بر چپ را می گویم، نه جریان کمونیستی که بعدا به حزب کمونیست کارگری ایران رسید. جریان ما جنس آن چپ نبود. ما می دانستیم در انقلاب چه می گذرد و تا سالها بعد در کردستان در مقابل رژیم مقاومت می کردیم. بعد در خارج کشور ادامه دادیم. ما با شکست انقلاب ۵۷ و تحکیم رژیم اسلامی، تسلیم نشدیم. ۲۳ سال مشغول تهیه و تدارک امروز بودیم. حزب ما در آن انقلاب و در این تحول بعدی بیست و سه سال بعد، در هر دو روشن بود. آن زمان جریان ما از یک طرف قدرت و نفوذ امروز را نداشت. از طرف دیگر جامعه و جوانان به آگاهی امروز نبودند.

اهرام فشارها و پتانسیل رادیکال جوانان در غرب را بسمت کمونیسم کارگری خواهد کشاند. با اتفاقی این چنین، جوانان در غرب بجای پرچم رنگین کمان و آنتی گلوبالیزاسیون، بدون تردید پرچم مارکس و یک دنیای بهتر را بلند خواهند کرد.

چرا فعالیت جوانان، وزن خاصی دارد؟

جوان ضمن اینکه پتانسیل انقلابی عظیمی دارند، جستجوگر و روشنفکر است. هنوز اکثر آنها گرفتار محدودیت های خانواده و تامین معاش نیستند. جامعه ایران جامعه ای جوان است. قریب ۷۰ درصد آن جوان است. به چپ یا راست چرخیدن جوانان در ایران مهم و تعیین کننده است. این نسل با وجود اینکه محروم بزرگ شده است، پرتوقع است، تجربه شکست انقلاب ۵۷ را ندارد، سرکوب و مرعوب نشده است. بخش اعظم جمعیت جوان ایران، نیروی ذخیره کار و جز طبقه کارگر است. آمار خود رژیم اعلام کرده است که هر سال ۷۰۰ هزار نفر به صفوف ۶ میلیونی بیکاران اضافه می شود. این یعنی جمعیت جوانی که به سن کار می رسد، مدرسه یا دانشگاه را تمام می کند و روانه بازار کار می شود. ترکیب طبقاتی این طیف کارگری است. اغلب جوانان در بازار کار نیروی کار خود را در معرض فروش می گذارند، کارگر و برده مزد می شوند. اغلب آنها راهی جز فروش نیروی کار برای امرار

تغییر کرده است. امروز در غرب هم اغلب جوانان مترقی و رادیکال و معترض خود را با چپ و طرفداری از طبقه کارگر تداعی می کنند. اما موضوع این است که بستر رسمی چپ غربی - اروپایی امروز دیگر مارکسیست و کمونیست نیست. هرچند که ادعا می کند که هست. در غرب بعد از شکست شوروی، جوانان انقلابی به انواع و اقسام جنبش های اعتراضی مثل علیه راسیسم، علیه تخریب محیط زیست، علیه امپریالیسم، علیه خصوصی سازی صنایع، علیه گلوبالیزاسیون، علیه جنگ، و علیه اروپای واحد و کارکرد سرمایه های بزرگ روی آوردند. نام این جنبشهای چپی را هم فعالیت های سوسیالیستی و کمونیستی گذاشته اند. جوانان معترض در غرب، در سازمانها و جنبشهایی که بیشتر نقش اهرمهای فشاری بر سیاست های راست در اروپا و آمریکا را دارد متشکل و فعال اند. گواينکه این جنبشهای حرکتی در ادامه اعتراض کمونیستی - کارگری و برای جامعه سوسیالیستی نیست، اما ظرفیت و پتانسیل بالایی برای جذب ایده های سوسیالیستی دارد. بنحوی که کمترین پیشروی جنبش کمونیسم کارگری، موجب سرازیر شدن سیل جوانان معترض و انقلابی در غرب بسمت آن خواهد شد. بی اغراق میتوان ادعا کرد که اتفاقی چون نزدیک شدن حزب کمونیست کارگری ایران به قدرت سیاسی، این جنبشها و



دنیایش نقش داشته باشد. و این را ایده های کمونیستی پاسخی واقعی، عملی و قابل دسترس می دهد.

جوانان در غرب

آیا همه جوانان به چپ روی می آورند؟ چرا در مقاطی ایده های راست در بین جوانان بخصوص در اروپا و آمریکا نفوذ می کند؟ غرب تاریخا زادگاه و کانون تولد و رشد کمونیسم بوده است و جوانان غربی سنتا چپی. تمام طول قرن بیست به مدت ۶۰ تا ۷۰ سال کمونیسم پرچم اعتراضات دانشجویان و جوانان در غرب بود. در آن سالها کمونیسم پرچم هر اعتراض مردمی و آزادیخواهانه در سراسر جهان بود. اما اوضاع

از صفحه ۶

برای همه می خواهند. می بینند که کمونیست ها رفاه و شادی و خوشبختی را برای همه می خواهند. این خواست هر جوان مترقی است. به سادگی میتوان ادعا کرد که اگر ما ایران بودیم که در خیابانها و دانشگاهها با ارتجاع اسلامی و مذهبی می جنگند، عضو حزب و سازمان مان بودند. و حرفهای ما را به همان دقتی که خودمان می گوئیم می گفتند.

جوان و دانشجو بدنبال ایده های مترقی است. تغییر می خواهد، کنترل بر زندگی می خواهد، از فقر بیزار است. شادی و رفاه میخواهد، میخواهد در ساختن



آشنایی با مفاهیم... از صفحه ۶ وابسته اند و در برابر هر گونه دگرگونی ایستادگی می کنند. ارتجاع با هر گونه سلب قدرت و ثروت از دست طبقات یا گروه بالا دست و سپردن آن به طبقات یا گروه های فرودست مخالفت شدید دارد.

نظام های استبدادی، دیکتاتوری، «دسپوتیسم» سنتی و نیروهای پشتیبان آنها، ارتجاعی به شمار

سازمان ملل نقض حقوق بشر در ایران را مجاز اعلام کرد

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در کنفرانس سالانه خود جمهوری اسلامی، سمبل بی حقوقی انسان را از لیست کشورهای ناقض حقوق بشر حذف کرد. باین ترتیب از نظر این نهاد باصلاح طرفدار حقوق بشر، نه تنها ممنوعیت آزادیهای فردی و مدنی مانند آزادی بیان و اجتماعات و تشکل و نیز تبعیض علیه زنان و آزار کودکان، نقض حقوق بشر نیست، بلکه اعدام و سنگسار و شکنجه و دست بردن نیز که طی بیست و سه سال گذشته دائما توسط جمهوری اسلامی باجرا در آمده، و هنوز نیز ادامه دارد، نقض حقوق بشر محسوب نمیشوند. این مصوبه شرم آور کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل باید قاطعانه توسط کلیه سازمانهای طرفدار حقوق بشر محکوم شود. اینکه کمیسیون حقوق بشر امروز

تصمیم به خارج کردن جمهوری اسلامی از لیست کشورهای ناقض حقوق بشر گرفته است، اساسا عکس العمل دولت های مترجع اسلامی و منطقه است به سیاست فاشیستی دولت اسرائیل در قبال فلسطین و حمایت فعال آمریکا از آن. سیاست ارتجاعی اسرائیل و آمریکا تنها از مردم تحت ستم فلسطین قربانی نمیگیرد، این سیاست همچنین موجب تقویت اسلام سیاسی میشود و لذا سرکوب مردم منطقه را تشدید میکند. در پرتو سیاست جنایتکارانه دولت های اسرائیل و آمریکا است که دول مترجع منطقه مجال می یابند تا با محکوم نکردن جمهوری اسلامی ژست دفاع از مردم فلسطین را بگیرند. سیاست ارتجاعی آمریکا و اسرائیل ارتجاع را در منطقه تقویت کرده اس.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۲۸ آوریل ۲۰۰۱

کشتار جمعی دختران دانش آموز، در تهران

۵ مه خبر دلخراش غرق شدن دستجمعی تعداد زیادی از دختران دانش آموز مدرسه طه شماره دو تهران، پخش شد. اخبار حاکی است که دانش آموزان این مدرسه توسط مسئولین مدرسه برای گردش به پارک شهر برده شده بودند. ۱۷ دختر بچه را سوار قایقی به گنجایش ۴ نفر می کنند. در همان لحظات قایق سرنگون و کودکان به داخل دریاچه پرت می شوند. پیکر بی جان شش دختر بچه را همراه قایقران، از لابلای خزه و گل و لای دریاچه بیرون کشیده اند. منابع دیگری تعداد کشته شدگان را بیشتر اعلام کرده است. در این «تفریحگاه و محل قایق سواری» هیچ کنترل، هیچ نجات غریق، هیچ تیوپ و وسیله کمک و حفاظتی وجود ندارد. به محض غرق شدن کودکان، مردم سراسیمه به کمک می آیند. حتی تعدادی از کودکان همین دبستان که منتظر نوبت «قایق سواری» بوده اند، برای کمک خود را به آب می اندازند. تا مدتها هیچ خبری از «گروه نجات شهرداری»، آمبولانس و نهادهای دولتی نبوده است. کودکان نجات یافته غالبا به همت مردم از آب بیرون کشیده شده و به بیمارستانها منتقل شده اند. گفته می شود که تعدادی از بچه ها و کسانی که برای نجات کودکان خود را به دریاچه انداخته اند نیز کشته شده اند. کار نجات اغلب کودکان به آب افتاده، به خاطر خزه، لجن و گل و لای ظخیم دریاچه غیر ممکن شده است.



خبر این تراژدی دردناک علاوه بر خانواده بازماندگان، مردم را بشدت خشمگین و متاثر کرده است. یکی از شاهدان می گوید: اگر شما یک آجر اضافی در خانه تان روی دیوار بگذارید بلافاصله سر و کله شهرداری برای اخذی پیدا می شود. اما در این حادثه علیرغم فریادهای کمک مردم، هیچ کسی از شهرداری برای کمک نیامد!

چرا این دریاچه مصنوعی اینهمه پر از خزه و گل و لای و حتی برای شنا خطرناک است؟ چرا کسی کنترلی بر ظرفیت قایق ها ندارد؟ چرا در چنین محلی نشانی از نجات غریق و وسایل ایمنی نیست؟ چرا آموزش و پرورش و شهرداری و دولت در حفاظت از جان کودکان بی مسئولیت اند؟ چرا برای حفاظت از زندگی و جان کودکان امکانات و بودجه وجود ندارد؟ چرا در حالی که پول از سروکول مقامات حکومتی بالا می رود، بچه های بیگناه قربانی فقدان یک تیوپ می شوند؟ شهردار اعلام کرده که حاضر است «حتی» استعفا

طول موج جدید رادیو انترناسیونال

از ۱۱ فروردین (۳۱ مارس) برنامه های رادیو انترناسیونال روی طول موج جدید ۳۱ متر برابر با ۹۹۴۰ کیلوهرتز از ساعت ۹ تا ۹/۴۵ شب خواهد بود.

ساعت پخش در اروپای مرکزی ۶/۳۰ بعدازظهر بوقت اروپای مرکزی است. رادیو انترناسیونال را روی اینترنت هم می توانید بشنوید:

www.ra-international.org

از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه می توانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه می توانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید. مطالب، اطلاعاتی ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

www.rowzan@yahoo.com

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

از سایت سازمان جوانان دیدن کنید

www.jawanan.org

سایت فارسی سازمان جوانان ،
حلقه اتصالی بین جوانان
سوسیالیست، کمونیست و
آزادیخواه

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628	لیلا روشن ضمیر	دانمارک:
0044 776 110 66 83	فرشاد پویا	انگلستان:
0049 163 26 93 033	نهبهز احمدزاده	آلمان:
0046 70 48 68 647	مریم طاهری	سوئد:
001 416 759 4014	مهدی شهابی	کانادا:
0049 172 2957603		ترکیه:
0049 174 944 02 01	بهرام مدرسی	دبیر کمیته مرکزی

از این سایت ها دیدن کنید: www.haftegi.com www.rowzane.com
www.wpiran.org www.hambastegi.org
www.wpibriefing.com www.medusa2000.com

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: ثریا شهابی
shahabi_99@yahoo.com

Tel: 001- 416 434 15 45
Fax :001- 781 735 83 59
E-Mail : shahabi_99@yahoo.com
javanane-komunist@web.de
www.jawanan.org

Address: Jawanan
Postfach 62 05 15
10795 Berlin/
Germany